

## دروغ

دروغ به معنای اظهار خلاف واقع و سخن برخلاف حقیقت، از گناهان کبیره است که در قرآن و حدیث از آن نهی شده است. در احادیث، دروغ کلید بدی‌ها و مایه تباہی ایمان محسوب گشته است.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كاذِبٌ كُفَّارٌ. (ترجمه: خداوند آن کس را که دروغگو و کفران کننده است هرگز هدایت نمی‌کند.)

سوره زمر، ۳، ترجمه مکارم شیرازی.

## از منظر قرآن کریم

در قرآن کریم آیات متعددی در مذمت دروغ گفتن وجود دارد :

- از چند آیه قرآن استفاده می‌شود که دروغگو مستحق لعن و سزاوار خشم پروردگار است.<sup>[۱]</sup>
- خداوند در سوره صفحه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید!».<sup>[۲]</sup>
- در جایی دیگر از قرآن کریم، خداوند متعال می‌فرماید: «تنها کسانی دروغ می‌بندند که به آیات خدا ایمان ندارند؛ (آری)، دروغگویان واقعی آنها هستند!».<sup>[۳]</sup> با توجه به این آیه، فرد دروغگو به قدری از سوی خداوند مورد مذمت قرار گرفته که او را بی‌ایمان معرفی کرده و هیچ فرد بی‌ایمان مؤمن تلقی نمی‌گردد.
- در قرآن آمده است: «خداوند آن کس را که دروغگو و کفران کننده است هرگز هدایت نمی‌کند!».<sup>[۴]</sup>

## در روایات

امام حسن عسکری (ع): جعلت الخبائث كُلُّهَا فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهَا الْكَذِبَ (ترجمه: تمام پلیدیها در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن دروغگویی است).

بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۶۳.

- پیامبر اکرم(ص) فرمود: «مؤمن هرگاه بدون عذر دروغی بگوید هفتاد هزار ملک او را لعت می‌کنند و بوی بدی از قلبش بیرون می‌آید که تا به عرش می‌رسد و خداوند به سبب این دروغ، گناه هفتاد زنای که کمترین آن زنای با مادر است را برای او می‌نویسد». <sup>[۱۲]</sup>
- یا آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: «از دروغ بپرهیز که روی دروغگو را سیاه می‌کند». <sup>[۱۳]</sup>
- مردی از رسول خدا(ص) پرسید: «چه عملی سبب دخول در آتش است؟» حضرت فرمود: دروغ؛ زیرا دروغ سبب فجور و فجور سبب کفر و کفر سبب دخول در آتش است. <sup>[۱۴]</sup>
- دروغ سبب گرفتن صورت انسانی از دروغگو است؛ یعنی صورت بروزخی اش انسان نیست. رسول خدا(ص) به حضرت زهرا(س) فرمود: در شب معراج زنی را دیدم که سرش مانند خوک و بدنش مانند بدن الاغ بود و سبب آن فتنه انگیزی و دروغ بود. <sup>[۱۵]</sup>
- امام حسن عسکری(ع) فرمودند: تمام پلیدی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن دروغگویی است. <sup>[۱۶]</sup>
- در روایتی دیگر پیامبر اکرم(ص) ریشه دروغ را در کمبودها و پستی‌های انسان چه از لحاظ روحی و یا جسمی بیان فرموده است: دروغگویی از پستی روح ریشه می‌گیرد. <sup>[۱۷]</sup>
- در روایتی حضرت علی(ع) فرمود: بزرگترین گناهان نزد خدا، زبان دروغگو است. <sup>[۱۸]</sup>

## آثار دروغ

برخی از عوارض و پیامدهای دروغگویی عبارتند از :

۱. بی اعتباری دروغگو: حضرت علی(ع) می‌فرماید: سزاوار است که مسلمانان از دوستی و برادری با دروغگو اجتناب کنند؛ زیرا او آنقدر دروغ می‌گوید که راستش را هم باور نمی‌کنند. <sup>[۱۹]</sup>
۲. از بین رفتن ایمان دروغگو :امام باقر(ع) می‌فرماید: «دروغ خانه ایمان را ویران می‌سازد». <sup>[۲۰]</sup>
۳. بی آبرویی: رسول خدا(ص) فرمود: کم آبرو ترین مردم کسی است که دروغ می‌گوید. <sup>[۲۱]</sup>
۴. فقر: حضرت علی(ع) می‌فرماید: عادت به دروغ، فقر می‌آورد. <sup>[۲۲]</sup>
۵. فراموشی :امام صادق(ع) می‌فرماید: از چیزهایی که خدا به زیان دروغگویان کمک کرده، فراموشی است. <sup>[۲۳]</sup>
۶. دوزخ و عذاب الهی: از پیامبر خدا(ص) نقل شده است: «ایا کم و الکذب فانه من الفجور و انهمما في النار» از دروغ بپرهیزید دروغ از فجور و ستمکاری است و دروغگو و فاجر در آتش جای دارند. امیر مومنان علی(ع) هم می‌فرماید: «ثمره الکذب المنهانه في الدنيا و العذاب في الآخرة» <sup>[۲۴]</sup> میوه دروغ، پستی در دنیا، و عذاب در آخرت است.

## مراتب دروغ

امام باقر(ع) : إِنَّ الْكَذِبَ هُوَ خَرَابٌ أَلِيمٌ (ترجمه: دروغ، خراب کننده ایمان است.)

کافی، ج ۲، ص ۳۳۹.

دروغ دارای مراتبی است :

۱. دروغ بر خدا و پیغمبر و امام؛ بدترین مراتب دروغ، دروغ بستن به خدا، پیغمبر و امام است.
۲. سوگند دروغ، شهادت دروغ و کتمان شهادت؛
۳. دروغ مفسدہ دار؛ از مراتب دروغ که گناه کبیره است، هر دروغی است که در آن مفسدہ و زیان باشد و البته هرچه مفسدہ و زیان آن بیشتر باشد بزرگی گناهش و شدت عقوبتش شدیدتر است.
۴. دروغ از روی مزاح و شوخی.<sup>[۲۶][۲۷]</sup>

امام علی(ع) به فرزند خود امام حسن(ع) فرمود :إِيَاكَ وَ مُصَادَّقَةَ الْكَذَابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَّابِ يَقْرَبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يَبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ (ترجمه: از دوستی دروغگو پرهیز که او سراب را ماند، دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور می‌نمایاند).

نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، ص ۳۶۷.